

روابط بینامتنی قرآن با نامه سی و یکم نهج البلاغه

دکتر سید مهدی مسبوق^۱ - حسین بیات^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۲۰

چکیده

ارتباط یک متن با متن‌های دیگر که به نظریه روابط بینامتنی شهرت دارد از موضوعات مهمی است که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. نهج البلاغه از جمله متونی است که با مفاهیم قرآن ارتباطی تنگاتنگ دارد به طوری که در بسیاری از موارد فهم و درک دقیق معنای مورد نظر امام (ع) جز از طریق آشنایی با متن پنهان و شناخت چگونگی رابطه آنها با یکدیگر میسر نیست. نویسنده در بررسی و تحلیل روابط بینامتنی قرآن با نامه سی و یکم نهج البلاغه دریافته است که بیشترین شکل روابط بینامتنی قرآن با این نامه به صورت نفی متوازی است که برای درک متن پنهان به خوانشی آگاهانه و عمیق نیاز است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، نهج البلاغه، رابطه بینامتنی قرآن و نامه سی و یکم، بلاغت امام علی (ع)، قاعده نفی متوازی.

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا - همدان.

۲. مدرس دانشگاه پیام نور مرکز تویسرکان.

بینامتنی نظریه‌ای است که در ابتدایی‌ترین شکل آن، رابطه دو لفظ و در پیچیده‌ترین و عمیق‌ترین شکل آن رابطه دو متن با یکدیگر را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. تازگی این نظریه تعریف آن را دشوار کرده، اما ساده‌ترین تعریف همان تعریفی است که ژولیا کریستوا ناقد فرانسوی بلغاری تبار قرن بیستم ارائه داده است، مبنی بر اینکه هر متنی برگرفته و تحولی از بسیاری از متون دیگر است.^۱ پژوهشگران عرب اصطلاحات متعدد و مترادفی برای آن پیشنهاد کرده‌اند که از جمله آنها: التناصیه، النصوصیه، تداخل النصوص، النصوص المتداخله و النص الغائب است که در مقابل آن، النص الراهن و النص الحاضر و... قرار می‌گیرد.^۲

با نگاهی به نامه سی و یکم **نهج البلاغه** در می‌یابیم که امام علیه السلام از الفاظ و تعبیر و مفاهیم قرآنی به‌طور گسترده‌ای استفاده نموده و این امر باعث جذابیت، عمق معانی و تأثیرگذاری کلام ایشان شده است. کارکرد آیات قرآنی در این نامه گاه بدون تغییر و گاه با تغییری جزئی یا کلی و اشاره‌ای و بیشتر مضمونی بوده که نوشتار حاضر به انواع این رابطه‌ها و تحلیل آن بر اساس نظریه بینامتنی می‌پردازد.

نظریه بینامتنی

شیوه‌های نوین نقد، که تحت تأثیر زبان‌شناسی ظهور کرده‌اند، غالباً «متن محور» است. بررسی نظریات نقدی «متن محور» نشان می‌دهد که برخی متن را

۱. موسی، خلیل، *قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر*، ص ۵۱-۵۲.

۲. عطا، احمد محمد، *التناص القرآنی فی شعر جمال‌الدین بن نباتة المصری*، ص ۱۱.

یک واحد بسته می‌انگارند که تنها به وسیله خود متن قابل فهم است و برخی دیگر متن را یک واحد باز می‌دانند که با دیگر متون در تعامل است و این همان «تناص» یا «بینامتنی» است. این نظریه را متفکرانی چون میخائیل باختین و ژولیا کریستوا ارائه کردند. آنها معتقد بودند که «هر متنی به منزله جذب و دگرگون‌سازی متون دیگر است»^۱.

این تعریف از بینامتنی که معتقد است هر متنی برگرفته و تحولی از بسیاری از متون دیگر است دو اصطلاح متن حاضر و متن غایب (پنهان) را وارد مباحث بینامتنی کرد. متن موجود را متن حاضر و متونی که با متن کنونی تعامل داشته متن غایب نامیده‌اند^۲. رولان بارت منتقد فرانسوی متن جدید را حاصل اجتماع اجزای متون پیشین می‌داند و آن را برای هر متنی حتمی و اجتناب‌ناپذیر می‌شمارد. از نظر وی هر متنی بافت جدیدی است که تار و پود آن از نقل‌قول‌ها و سخنان گذشتگان تنیده شده است^۳.

محمد بنیس منتقد ادبی معاصر نیز متن حاضر را ساختاری لغوی می‌داند که با متون دیگر در ارتباط است. به اعتقاد او هر متنی چون شبکه و دامی است که در برگیرنده متون دیگری است و این متون چنان با هم در هم تنیده و آمیخته‌اند که تشخیص آن متون از متن حاضر ممکن نیست^۴. ابراهیم رمانی نیز با محمد بنیس در این تعریف هم داستان است. او بینامتنی را مجموعه‌ای از متون پنهان در متن حاضر می‌داند که به صورت پنهانی باعث ایجاد متن حاضر شده‌اند^۵.

روابط بینامتنی

۱. کریستوا، ژولیا، کلام، مکالمه و رمان، ترجمه پیام یزدانجو، ص ۴۴.
۲. موسی، خلیل، قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر، ص ۵۲.
۳. بروئل پیرو و همکاران، تاریخ ادبیات فرانسه، ترجمه نسرین خطاط و مهوش قدیمی، ص ۳۷۴.
۴. بنیس، محمد، ظاهرة الشعر المعاصر فی المغرب...، ص ۲۵۱.
۵. رمانی، ابراهیم، النص الغائب فی الشعر العربی الحدیث، ص ۴۸.

از مباحثی که گذشت، این نتیجه به دست می‌آید که بینامتنی دارای سه رکن اصلی است: متن پنهان، متن حاضر و روابط بینامتنی. انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر روابط بینامتنی نام دارد که تبیین آن مهم‌ترین بخش نظریه بینامتنی در تفسیر متون است. بازآفرینی متن پنهان یا حضور آن در متن حاضر به سه صورت انجام می‌گیرد که از آن به عنوان قواعد سه‌گانه بینامتنی یاد کرده‌اند: قاعده نفی جزئی، قاعده نفی متوازی و قاعده نفی کلی^۱. این قواعد سه‌گانه، روابط بین متن حاضر و متن غایب را تفسیر می‌کند که در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم.

الف- نفی جزئی: در این نوع از روابط بینامتنی، مؤلف جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر ادامه متن غایب است و کمتر ابتکار یا نوآوری در آن وجود دارد^۲. و متن برگرفته از متن غایب می‌تواند یک کلمه یا جمله یا یک عبارت باشد.

ب- نفی متوازی: این نوع از روابط بینامتنی از نوع قبلی برتر است. در نفی متوازی متن پنهان پذیرفته شده و به صورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهره آن تغییر نکرده است^۳.

ج- نفی کلی: این نوع از روابط بالاترین درجه بینامتنی است و به خوانشی آگاهانه و عمیق نیاز دارد تا بتوان متن پنهان را درک کرد؛ زیرا مؤلف در این نوع از روابط، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند، به گونه‌ای که بر خلاف معنای متن پنهان به کار می‌رود و معمولاً این امر ناخودآگاه روی می‌دهد^۴. این سه نوع رابطه بین متن پنهان و متن حاضر، مهم‌ترین بخش بینامتنی است که روابط بینامتنی آن را تبیین می‌کند.

۱. موسی، خلیل، *قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر*، ص ۵۲.

۲. عزام، محمد، *شعر حجة الخطاب السردی*، ص ۱۱۶.

۳. موسی، خلیل، همان، ص ۵۵.

۴. وعدالله، لیدیا، *التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره*، ص ۳۷.

در تبیین روابط بینامتنی قرآن با نامه سی و یکم **نهج البلاغه**، متن قرآنی، متن غایب و نامه سی و یکم، متن حاضر است. روابط بینامتنی، تعامل این دو متن را روشن می‌کند. فراوانی تعامل کلام امام علیه السلام با قرآن کریم از ویژگی‌های برجسته **نهج البلاغه** به شمار می‌رود و این امر نشان‌دهنده این است که امام علی علیه السلام از متن قرآن آگاهانه استفاده کرده تا بتواند مقصود خود را بهتر، جذاب‌تر و تأثیرگذارتر بیان کند.

۴- بینامتنی قرآن در نامه سی و یکم **نهج البلاغه**

نامه سی و یکم **نهج البلاغه** به گونه‌های مختلفی با قرآن ارتباط دارد که در ادامه بدان می‌پردازیم:

۱- بینامتنی ترکیبی

در این نوع روابط بینامتنی شاعر یا نویسنده جزئی از آیه یا کل آن را در متن خود می‌آورد و این نوع از بینامتنی خود به دو گونه تقسیم می‌شود: **یک**- در نوع اول عین متن قرآنی بدون هیچ تغییری در متن حاضر آمده و در همان معنای آیه قرآنی به کار رفته که این نوع در نظریه بینامتنی از کمترین ارزش برخوردار بوده و در نامه سی و یکم به کار نرفته است.

دو- نوع دوم بینامتنی ترکیبی آن است که نویسنده یا گوینده بخشی از آیه قرآنی را با ساختاری تغییر یافته در لایه صرفی یا نحوی در نوشته و گفته خود به کار گیرد و بدین وسیله می‌تواند به اشکال گوناگون در ساختار دخل و تصرف کند؛ گاه با افزودن و گاه با کاستن، دمی با تغییر و دمی با تأخیر^۱. پاره‌ای از بینامتنی قرآن با نامه سی و یکم از این دست است که حضرت با تغییراتی در ساختارهای قرآنی آنها را به سبک خود در این نامه به کار گرفته‌اند که در ادامه به

۱. عباس‌زاده، حمید، *اقتباس‌های قرآنی در نهج البلاغه*، ص ۳.

ذکر نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم.

متن حاضر:

امام علی علیه السلام در وصیت به فرزندش امام حسن علیه السلام و سفارش به تقوا می‌فرماید: «فإني أوصيك بتقوى الله أي بئني و... الاعتصام بحبله و أي سبب أوثق من سبب بينك و بين الله إن أنت أخذت به!»؛ پس ای پسرک من تو را سفارش می‌کنم به پرهیزکاری و ترس از خدا... و به چنگ زدن به ریسمان (طاعت و پیروی) او و کدام سبب و رشته‌ای از سبب و رشته بین تو و خدا استوارتر می‌باشد اگر به آن دست اندازی؟

متن غایب:

① «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زدید و پراکنده نشوید».

رابطه بینامتنی:

امام علیه السلام به فرزند گرانقدرش سفارش می‌کند که به حبل الله (قرآن و عترت) تکیه کند و نسبت به آن نه مخالفت کند نه کوتاهی. ایشان متن قرآنی را عیناً در همان معنا در کلام خود به کار گرفته است، با این تفاوت که عبارت «واعتصموا» را از فعل ماضی به مصدر باب افتعال «الاعتصام» تغییر داده و به جای «الله» ضمیر (ه) را که مرجع آن «الله» است آورده؛ لذا رابطه دو متن از نوع نفی متوازی است که در آن جوهره متن پنهان تغییر نکرده است.

متن حاضر:

امام علیه السلام به مسائل تربیتی و اخلاقی توجه خاصی دارند. ایشان در وصیت به فرزند گرانقدرش می‌فرماید: «وَ أَلْحَسِينُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ»؛ و نیکی کن

۱. فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۱۱.

۲. فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۲۲.

چنان‌که دوست داری به تو نیکی شود.

متن غایب:

وصیت امام علیه السلام توضیح این آیه قرآن است: ﴿أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾^۱ (قصص/۷۷)؛ و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن.

رابطه بینامتنی:

امام علیه السلام واژگان عبارت «و أَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ» را از متن قرآنی الهام گرفته و با اندک تغییری آن را در کلام خود به کار برده و ارتباط دو متن از نوع نفی متوازی است.

۲- بینامتنی واژگانی

الفاظ ماده اولیه‌ای است که هر ادیبی به وسیله آن تصاویر ذهنی خود را ارائه می‌دهد. قرآن منبع و سرچشمه‌ای غنی است که امام علی علیه السلام واژگان، تصاویر، معانی و مضامین والای **نهج البلاغه** را از آن الهام گرفته و علاوه بر آن، دیگر منابع اسلامی چون احادیث نیز نقش مهمی در غنای مضمون **نهج البلاغه** دارد که به اختصار به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

متن حاضر:

امام علیه السلام فاصله میان قبر و قیامت را گردنه‌ای سخت معرفی کرده که هم فاصله‌اش زیاد و هم مسیر آن سنگلاخ است: «وَ اعْلَمْ أَنَّ أَمَامَكَ عَقَبَةٌ كَوُودًا...»؛ و بدان که در جلو تو گردنه بسیار دشواری است.

متن غایب:

خداوند متعال نیز بندگان ناسپاس را نکوهش می‌کند که چگونه با داشتن وسایل سعادت راه نجات را در پیش نمی‌گیرند: ﴿فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ﴾ (بلد/۱۱ و ۱۲)؛ ولی او از آن گردنه مهم نگذشت. و تو چه می‌دانی

۱. فیض الاسلام، سید علی‌نقی، همان، ج ۲، ص ۹۲۳.

آن گردنه چیست؟


رابطه بینامتنی:

امام علیه السلام واژه (عقبه: گردنه) را از عبارت قرآنی (فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ) اقتباس نموده و به تبع آن سختی‌ها و دشواری‌های پیش روی گناهکاران در روز قیامت را اراده نموده است و بینامتنی از نوع نفی متوازی ایجاد نموده است.

متن حاضر:

میان‌هروی و اعتدال در هر کاری موجب دوام و حفظ معنویت است و افراط و تفریط به سقوط و تباهی می‌انجامد. از همین رو امام علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ الْقَصْدَ جَارًا»: روی‌گردانی از میان‌هروی موجب ظلم و انحراف است.

متن غایب:

لقمان حکیم در سفارش به فرزندش می‌گوید: ① وَ اقْصِدْ فِي مَشِيكَ  (لقمان/۱۹)؛ و در راه رفتن خود میان‌هرو باش.

رابطه بینامتنی:

با توجه به فرموده امام علیه السلام بین متن پنهان و متن حاضر نوعی سازش ایجاد شده است، در هر دو متن اهمیت میان‌هروی در کارها نمایان است، با این تفاوت که ایشان به جای فعل امر (واقصد)، مصدر ثلاثی مجرد آن (القصْد) را آورده است. بدین سبب ارتباط بین دو متن از نوع نفی متوازی است.

۳- بینامتنی مضمون

در گونه‌های پیشین حضور متن غایب در متن حاضر کم و بیش با محوریت لفظ بود، اما در این گونه از روابط بینامتنی نویسنده یا گوینده با الهام‌گرفتن از آیه‌ای قرآنی و پس از دریافت مضمون، مفهوم آن را با الفاظ و تعابیر خود بیان می‌کند، به گونه‌ای که خواننده حضور لفظی محسوس یا ذکری صریح از قرآن را

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

نمی‌بیند. در ادامه به ذکر مواردی از آن می‌پردازیم.

متن حاضر:

امام علیه السلام در مورد لزوم صبر و شکیبایی در برابر مشکلات می‌فرماید: «و عَوْدَ نَفْسِكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ وَ نَعَمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ...»؛ و خود را به شکیبایی بر نامطلوب عادت ده و نیک‌خویی است شکیبا بودن در راه حق».

متن غایب:

امام علیه السلام توجه به بردباری و صبر در برابر مشکلات را رمز پیروزی امام حسن علیه السلام دانسته است. همین نکته مورد سفارش مردان الهی نیز بوده است؛ چنان‌که خدای متعال از زبان لقمان به فرزندش نصیحت کرده، می‌فرماید: ﴿يَا بُنَيَّ... وَ اصْبِرْ عَلَى مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ﴾ (لقمان/۱۷)؛ ای پسر... در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است».

رابطه بینامتنی:

متن پنهان با اندک تغییری در کلام امام علیه السلام به کار رفته، بدین گونه که به جای (وَ اصْبِرْ) که فاعل آن فرزند لقمان است مصدر باب تَفَعَّلَ (التَّصَبُّرُ) و به جای (مَا اَصَابَكَ) واژه (المکروه) که همان معنای مشکلات و سختی‌ها را افاده می‌کند به کار رفته است؛ لذا ارتباط بین دو متن از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر:

﴿وَ اعْلَمَنَّ اَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ قَدْ اٰذَنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ وَ تَكْفَلَ لَكَ بِالْاِجَابَةِ﴾؛ و بدان آن خدایی که به دست (قدرت و توانایی) اوست خزانه‌های آسمان‌ها و زمین، دعا و درخواست را به تو اجازه داده و پذیرفتن را ضامن گشته است.

متن غایب:

۱. فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۱۲.
۲. فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۲۵.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ (حجر/۲۱)؛ و خزاین همه چیز تنها نزد ماست، ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم.»

رابطه بینامتنی:

امام علیه السلام در این بخش از وصیت‌نامه و در توضیح آیه ۲۱ سوره حجر، گنجینه‌های زمین و آسمان را تحت نظر و قدرت خدا می‌داند. ایشان به جای «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ» عبارت «بیده خزائن السماوات والأرض» را به کار گرفته که همان مفهوم تسلط خداوند بر همه کائنات را می‌رساند و از این رهگذر تناسی از نوع نفی متوازی را پدید آورده است.

متن حاضر:

امام علیه السلام در باب نشانه‌های رحمت الهی می‌فرماید: «وَلَمْ يُؤْيِسْكَ مِنَ الرَّحْمَةِ بَلْ جَعَلَ نُزُوعَكَ عَنِ الدَّنْبِ حَسَنَةً وَحَسَبَ سَيِّئَتِكَ وَاحِدَةً وَحَسَبَ حَسَنَتَكَ عَشْرًا وَفَتَحَ لَكَ بَابَ الْمَتَابِ»؛ و از رحمت نومیدت نفرمود، بلکه خودداری تو را از گناه حسنه و کار نیک قرار داد و سیئه و کار بد تو را یک گناه و حسنه و کار نیکویت را ده برابر شمرد و برای تو در توبه و بازگشت و خشنود ساختن را گشود.»

متن غایب:

اینکه خدای متعال گناهان را به مقدار خود ثبت می‌کند و ثواب را ده برابر قرار می‌دهد نکته‌ای است که در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (انعام/۱۶۰)؛ هر کس کار نیکی به جا آورد، ده برابر آن پاداش دارد و هر کس کار بدی انجام دهد، جز به مانند آن کیفر نخواهد دید و ستمی بر آنها نخواهد شد.

رابطه بینامتنی:

۱. فیض الاسلام، سید علی‌نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۲۵.

با دقت در متن حاضر و پنهان و مقایسه آنها در می‌یابیم که امام علیه السلام مفهوم کلام خود را عیناً از قرآن اقتباس نموده و با به‌کارگیری مضمون و واژگان قرآنی بینامتنی از نوع نفی متوازی ایجاد نموده است.

متن حاضر:

امام علی علیه السلام در توصیه به امام حسن علیه السلام و در سفارش به تقوا می‌فرماید: «فإني أوصيك بتقوى الله أي بئتي ولزوم أمره و عمارة قلبك بذكره»؛ پس ای پسرک من تو را وصیت و سفارش می‌کنم به پرهیزکاری و ترس از خدا، و به ملازمت امر و فرمان او، و به آباد داشتن دل خود به یاد او، (زیرا یاد خدا کمال نفس است، چنان‌که ساختمان کمال خانه است).

متن غایب:

خداوند متعال در سوره رعد می‌فرماید: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/۲۸)؛ آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

رابطه بینامتنی:

در واقع امام علیه السلام در وصیت به فرزندش مفهوم آیه قرآنی را با الفاظی دیگر بیان نموده و فرموده: «عمارة قلبك بذكره». مضمون هر دو متن مشترک است و امام علیه السلام بدین وسیله بین دو متن ارتباط برقرار نموده و خواننده را برای لحظه‌ای به متن قرآن رهنمون می‌کند و از این رهگذر تناسی از نوع نفی متوازی پدید می‌آورد.

متن حاضر:

امام علیه السلام درباره عظمت خدا می‌فرماید: «عَظُمَ عَنْ أَنْ تَنْبُتَ رُبُوبِيَّتُهُ بِإِحَاطَةِ قَلْبٍ أَوْ بَصَرٍ»؛ بزرگ است از اینکه ربوبیت و پروردگاری او به سبب احاطه دلی یا چشمی اثبات شود (برتر است از اینکه دل‌ها به علم و دانایی یا چشم‌ها به دیدن، کنه ذات و

۱. فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۱۱.

۲. فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۱۹.

صفات او را درک کرده، بشناسند؛ زیرا او هرگز محاط و محدود نگردد.

متن غایب:

خدای عزیز در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (انعام/۱۰۳)؛ چشم‌ها او را نمی‌بینند، ولی او همه چشم‌ها را می‌بیند و او بخشنده و آگاه (از همه چیز) است.

رابطه بینامتنی:

امام علیه السلام مفهوم عبارت «عَظَمَ عَنْ أَنْ تُنْبِتَ رُبُوبِيَّتُهُ بِإِحَاطَةِ قَلْبٍ أَوْ بَصَرٍ» را از متن قرآنی الهام گرفته و به جای عبارت «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ» و «هُوَ اللَّطِيفُ»، مضمون آن را در کلام خود به کار برده و از این رهگذر تناسی از نوع نفی جزئی را پدید آورده است.

متن حاضر:

امام علیه السلام سفارش می‌کند که هنگام درخواست از خدا با توجه و اخلاص با خدا سخن بگو! زیرا خدا مخلصان را دوست دارد و بخشش و محرومیت در دست اوست: «وَ أَخْلِصْ فِي الْمَسْأَلَةِ لِرَبِّكَ، فَإِنَّ يَدَيْهِ الْعَطَاءُ وَ الْجَزْمَانُ»؛ و در درخواست نمودن فقط از پروردگارت بخواه؛ زیرا بخشیدن و نومیدساختن به دست اوست.

متن غایب:

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدْزِلُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (آل عمران/۲۶)؛ بگو بارها! ای مالک حکومت‌ها! به هرکس بخواهی حکومت می‌بخشی و از هرکس بخواهی حکومت را می‌گیری، هرکس را بخواهی عزت می‌دهی و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. همه خوبی‌ها به دست توست، تو بر هر چیزی قادری.»

رابطه بینامتنی:

۱. فیض الاسلام، سید علی‌نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۱۲.

امام علی علیه السلام مضمون عبارت «فَإِنَّ بِيَدِهِ الْعَطَاءَ وَ الْحِرْمَانَ» را که منظور قدرت و توان خداوند در بخشیدن و محروم کردن است، از عبارت قرآنی «تَوْتَى الْمُلْكَ مَنْ...» اخذ نموده و آن را در کلام خود به کار گرفته و از این رهگذر بین دو متن ارتباطی محکم و استوار برقرار نموده و تناسی از نوع نفی متوازی پدید آورده است.

متن حاضر:

امام علیه السلام در مورد لزوم توجه به مرگ می فرماید: «أَنَّكَ طَرِيدُ الْمَوْتِ الَّذِي لَا يَنْجُو مِنْهُ هَارِبُهُ وَ لَا يَفُوتُهُ طَالِبُهُ وَ لَا يَدُّ أَنَّهُ مُدْرِكُهُ»؛ و تو رانده مرگی که گریزنده از آن رهایی نمی یابد و جوینده آن را از دست نمی دهد و ناچار مرگ او را در می یابد.

متن غایب:

خدای عزیز در قرآن کریم درباره مرگ می فرماید: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّسْتَبَدَّةٍ...﴾ (نساء/۷۸)؛ هر کجا باشید مرگ گریبان شما را می گیرد، هر چند در برج های بلند و نیرومند باشید.

رابطه بینامتنی:

در آیه یادشده حتمی الوقوع بودن مرگ در هر جا و هر حال آمده است. امام علیه السلام نیز در این بخش از وصیت نامه به مرگ توجه می دهد و نکته حساسی که به آن اشاره می کند، این است که چون مرگ حتمی است و گریبان گیر همه جانداران می شود و قبل از آمدن هم اعلام خطر نمی کند باید در هر حال مراقب بود؛ زیرا ممکن است در همان لحظه ای که می آید انسان مشغول گناه باشد و با همان حال از دنیا برود. با دقت در هر دو متن در می یابیم که امام علیه السلام کلام خود را عیناً از متن قرآنی گرفته و رابطه دو متن از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر:

۱. همان، ص ۹۲۷.

در برابر نیکی باید نیکی کرد تا وضع جامعه و اعتبار حفظ گردد، هرگاه به جای نیکی بدی کردیم، در دنیا و آخرت سر به زیر خواهیم بود: «وَلَا تَكُونَنَّ عَلَى الْإِسَاءَةِ أَقْوَى مِنْكَ عَلَى الْإِحْسَانِ... وَ لَيْسَ جَزَاءُ مَنْ سَرَّكَ أَنْ تَسُوَّهُ»؛ به طور قطع بدی کردن تو نباید بر نیک کردنت چیره گردد و افزون باشد... و پاداش کسی که تو را شاد گردانده آن نیست که تو او را اندوهگین سازی.

متن غایب:

خدای عزیز در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ (الرحمن/۶۰)؛ آیا پاداش نیکی غیر از نیکی است؟

رابطه بینامتنی:

امام علیه السلام آیه یادشده را با الفاظی دیگر و به صورت خبری توضیح می‌دهند، با دقت در عبارت امام علیه السلام و مقایسه آن با آیه در می‌یابیم که ارتباط بین متن پنهان و متن حاضر از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر:

«وَ الْهُوَى سَرِيكَ الْعَمَى»^۱. امام علیه السلام هوای نفس را در ردیف نابینایی و یاور آن می‌داند؛ زیرا هوای نفس موجب عدم دریافت حقایق می‌شود.

متن غایب:

خداوند متعال در قرآن کریم همین نکته را این گونه بیان نموده است: ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ (جاثیه/۲۳)؛ آیا آن کس را دیدی که هوای نفس خود را خدای خویش قرار داده بود و خدا با اطلاع از وضع او به گمراهی‌اش انداخت، گوش، قلب و چشمش را از درک حقایق بازداشت؟ آیا غیر از خدا چه کسی او را هدایت می‌کند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. همان.

رابطه بینامتنی:

امام علیه السلام به زیبایی آیه یادشده را در یک جمله کوتاه بیان می‌کنند. وقتی کسی هوای نفسش را خدای خویش قرار داد و خدای متعال گوش، قلب و چشمش را از درک حقایق بازداشت، چنین کسی به فرموده امام علیه السلام کور است، با دقت در عبارت امام علیه السلام و آیه قرآن در می‌یابیم که بینامتنی موجود از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر:

امام علیه السلام قطع رابطه با جاهل را هم‌ردیف ارتباط با عاقل می‌داند و این معادله به سبب این است که وقتی انسان از جاهل فاصله گرفت به تدریج به عاقل نزدیک می‌شود و با او ارتباط پیدا می‌کند و در مسیر رشد و کمال قدم بر می‌دارد و از ضرر وجود جاهل در امان می‌ماند: «وَقَطِيعَةُ الْجَاهِلِ تَعْدِلُ صِلَةَ الْعَاقِلِ»^۱.

متن غایب:

① خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ تف (اعراف/۱۹۹)؛ عفو را

پیشه کن، امر به معروف نما و از نادانان کناره‌گیری کن.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که در قرآن مجید آیه‌ای در موضوعات اخلاقی از این آیه جامع‌تر نیست^۲.

رابطه بینامتنی:

قطع رابطه با جاهل از کارهای مهمی است که خداوند متعال و به تبع آن امام علیه السلام به آن توجه داده است و این آخرین مرحله نهی از منکر است. اگر نهی از منکر اثر نداشت باید با گناهکار قطع رابطه کرد و چنان‌که پیداست امام علیه السلام به جای فعل امر «أعرض عن الجاهلین»، عبارت «قطیعة الجاهل» را که همان مفهوم دوری گزیدن و بریدن از جاهل را می‌رساند به کار برده است و ارتباط

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، ج ۴، ص ۴۱۵.

این دو متن نیز از نوع نفی متوازی است.

نتیجه گیری

از آنچه در این نوشتار ذکر شد نتایج زیر به دست می آید:

- ۱- ارتباط نامه سی و یکم **نهج البلاغه** به عنوان متن حاضر با قرآن به عنوان متن غایب یا پنهان بیشتر از نوع نفی متوازی است و امام (ع) به خوبی توانسته میان متن پنهان و متن حاضر سازش ایجاد کرده، از معنای آن دفاع کند.
- ۲- پر بسامدترین حضور متن قرآنی در نامه ۳۱ به صورت بینامتنی مضمون است و دشوارترین رابطه بین متون از حیث تشخیص بینامتنی مضمون است که خواننده در آن حضور لفظی محسوس یا ذکری صریح از قرآن نمی بیند و کشف آن نیازمند ژرف اندیشی و اشراف به مفاهیم قرآنی است.
- ۳- اکثر روابط بینامتنی موجود در نامه سی و یکم به گونه ای است که امام (ع) متن قرآنی را در فضایی جدید و برای مصداق و دلالتی جدید به کار گرفته است.
- ۴- انگیزه امام (ع) از به کارگیری متن قرآنی در کلام خود، استدلال و احتجاج، تفسیر و توضیح، بلاغت افزایی و در نتیجه تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بروئل پیرو و همکاران، **تاریخ ادبیات فرانسه**، ترجمه نسرين خطاط و مهوش قویمی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۱ ش.
۳. بنیس، محمد، **ظاهرة الشعر المعاصر فی المغرب مقاربة بنیویة تاکوینیة**، بیروت، دارالعودة، ۱۹۷۹ م.
۴. رمانی، ابراهیم، «النص الغائب فی الشعر العربی الحدیث»، **مجلة الوحده**، ش ۴۸، ۱۹۸۸ م.
۵. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، **مجمع البیان لعلوم القرآن**، تهران، مؤسسه

- الهدى للنشر و التوزيع، ۱۴۱۷ق.
۶. عباس زاده، حمید، «اقتباس های قرآنی در نهج البلاغه»، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال یکم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹ش.
۷. عزام، محمد، شعریة الخطاب السردی، دمشق، منشورات اتحاد الکتاب العرب، ۲۰۰۵م.
۸. عطا، احمد محمد، التناص القرآنی فی شعر جمال الدین بن ابی طالب المصری، المؤتمر الدولي الرابع لكلیة الألسن جامعة المنیا، آوریل ۲۰۰۷م.
۹. فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، انتشارات فقیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ش.
۱۰. کریستوا، ژولیا، کلام، مکالمه و رمان، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱ش.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهل و دوم، ۱۳۸۱ش.
۱۲. _____، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش.
۱۳. موسی، خلیل، قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر، دمشق، منشورات اتحاد الکتاب العرب، دمشق، ۲۰۰۰م.
۱۴. وعداالله، لیدیا، التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره، دار المنندلاوی، ۲۰۰۵م. ▲